یادداشت روز

سوریه؛ شکست پروژه‌ها

با نگاه به سرزمین سوریه، نکته‌ای که قبل از هر چیز به چشم می‌آید، تقسیم آن به شش قسمت متمایز است که هر بخش به نحوی متفاوت از بخش‌های دیگر اداره می‌شود.

بخشی از این کشور را «تحریرالشام» اداره می‌کند که شامل دمشق و بخش‌هایی از استان‌های ریف، حمص، حما و ادلب می‌باشد. این بخش حدود ۳۰ درصد سوریه است. بخشی از این کشور در سیطره نظامی و امنیتی رژیم غاصب اسرائیل است که شامل استان‌های قنیطره، سویدا، درعا و بخش‌هایی از استان ریف می‌باشد. بخشی از سوریه در سیطره ارتش آمریکا قرار دارد که شامل بخش‌هایی از سه استان حسکه، دیرالزور، رقه و بخش کمی از استان دمشق است. بخشی از سوریه در سیطره ارتش ترکیه است که شامل استان ادلب و بخش‌هایی از استان حسکه و نیز بخش‌هایی از استان رقه می‌باشد. بخش‌هایی از سوریه در سیطره گروه‌های تروریستی مسلح خارج از دولت جولانی است که شامل دو استان لاذقیه و طرطوس می‌باشد. بخش‌هایی از شمال شرقی این کشور در کنترل نسبی قسد - کردها - است که جدای از دولت مرکزی عمل می‌کنند و بخش‌هایی از جنوب - بادیه - در کنترل عشایر مسلح عرب قرار دارد که جدای از دولت مرکزی عمل کرده و تحت حمایت آمریکا هستند.

یک سال پس از سقوط دولت بشار اسد، تجزیه مهم‌ترین ویژگی سوریه است. بنابر این سوریه کنونی فاقد مهم‌ترین عنصر هویتی که حاکمیت و مهم‌ترین عنصر سیاسی که تمامیت ارضی است، می‌باشد. در یک کلمه سوریه قربانی طرح‌هایی شده که از خارج از این کشور به آن تحمیل گردیده است. هر کس گمان کند که وضع کنونی این سرزمین راهبردی محصول اختلافات داخلی اقوام بوده و ملت سوریه که ده‌ها سال همبستگی و هویت واحد داشته در آن نقش دارد به حقایق بی‌توجهی کرده است. کما اینکه کسانی که درگیری‌های سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ را «جنگ داخلی» خوانده‌اند به خطا رفته‌اند. وقایع بعدی نشان داد کشورهای آمریکا، ترکیه، رژیم اسرائیل و پاره‌ای از دولت‌های عربی شامل قطر، امارات و عربستان، حوادث امنیتی - نظامی آن هفت سال را تدارک دیده، پشتیبانی کرده و اداره نموده‌اند. در آن هفت سال ملت سوریه با کمک محور مقاومت توانست بر دشمنان این کشور غلبه نماید. تحولات یک سال اخیر در غیاب ملت و محور مقاومت رخ داده است که بیانگر ضرورت بازگشت ملت سوریه و محور مقاومت به صحنه تحولات می‌باشد. چه اینکه بدون نقش‌آفرینی آنان نه حاکمیت سوریه اعاده می‌شود و نه تمامیت ارضی آن باز می‌گردد.

واضح است که سوریه برای اعاده حاکمیت و احیای تمامیت ارضی خود نه می‌تواند به دولتی دست‌نشانده چشم بدوزد و نه می‌تواند از دسته‌هایی که دنبال منافع گروهی و حقیرانه خود هستند، انتظاری داشته باشد و نه از دولت‌های متجاوزی که بخش‌هایی از این کشور را به اشغال در آورده‌اند، متاع استقلال و تمامیت سرزمینی خود را طلب نماید.

دولت نیم‌بند و ضعیف جولانی در این یک سال هر نرمش خائنانه‌ای که در تصور می‌گنجید انجام داد تا بتواند سوریه را تحت پرچم واحد درآورد اما نتوانست به آن دست یابد دلیل آن این است که طرف‌های مورد مراجعه آن اساساً سوریه واحد و قدرتمند را نمی‌خواهند. ترکیه به هیچ وجه مایل نیست بخش‌های اشغال کرده را رها کند و یا به عنوان پدرخوانده تحریرالشام با دولت‌ها و گروه‌هایی که بخش‌هایی از سوریه را در کنترل دارند، درگیر شود. کمااینکه آمریکا و رژیم غاصب که دنبال تجزیه و تفکیک کل منطقه هستند، سوریه واحد را نمی‌پسندند. دولت‌های عربی که صدها میلیارد دلار در آن هفت سال هزینه کردند به شکل‌گیری سوریه مستقل علاقه‌ای ندارند. کمااینکه امروز دولت شرور امارات با کمک رژیم غاصب صهیونیستی، دست‌اندرکار اجرای سناریوی جنگ در بخش‌هایی از شمال غرب سوریه است، همان‌گونه که همین کار را با سودان و یمن انجام داده و در حال تکمیل آن می‌باشد. بنابراین وقت آن است که ملت سوریه، خود به فکر بازیابی حاکمیت و تمامیت سرزمینی خویش باشد.

از منظری دیگر نیز تحولات یک سال اخیر سوریه قابل تجزیه و تحلیل است. اگر تجزیه سوریه را هدف غایی دولت‌هایی که ذکر آن رفت، ندانیم و بخواهیم با داعیه‌های پیش از تجزیه آنان به داوری بنشینیم و فرض کنیم هدف غایی آنان تبدیل سوریه به کشوری تحت نفوذ و حکمرانی مدنظر خود بوده است، همه آنان تا اینجای کار به هدف خود نرسیده‌اند.

ترکیه حضور سنگین نظامی و پرورش و تجهیز و گسیل تحریرالشام را برای شکل‌دهی به چنین سوریه‌ای انجام نداده است. این دولت، سوریه‌ای می‌خواسته که به‌طور کامل تحت کنترل آن باشد و از آن به عنوان دالانی برای گسترش قدرت خود در منطقه و مقدمه‌ای برای نفوذ در حوزه عربی و نیز گسترش اخوانیسم استفاده کند. ترکیه نه‌تنها به آن دست نیافته بلکه حتی اینک نگران چرخش جولانی به سمت آمریکا یا حوزه عربی است.

هدف‌گذاری آمریکا استفاده از عراق و سوریه برای مهار محور مقاومت در منطقه بوده است اما وضع چندپارچه سوریه که آمریکا توانی برای یکپارچه‌سازی این کشور ندارد و انتخابات پارلمانی اخیر عراق که با پیروزی تقریباً مطلق نیروهای وفادار به مقاومت به سرانجام رسید، نشان داد تحقق هدف آمریکایی‌ها دور از دسترس آنان می‌باشد.

رژیم اسرائیل درصدد بود از فروپاشی دولت اسد به یک نوار امنیتی مطمئن در دامنه‌های شرقی و شمالی جولان دست پیدا کرده و برای همیشه از خطر تهدید از مرزهای سوریه نجات یابد، اینک علی‌رغم سیطره‌ای که بر جنوب سوریه پیدا کرده است، پس از حوادث دو هفته اخیر و در جریان درگیری در «بیت‌جن» که منجر به کشته شدن هفت و زخمی شدن ده نفر دیگر نظامی رژیم غاصب گردید، متوجه شد اقدامات توسعه‌طلبانه منجر به شکل‌گیری مقاومت مردم دلیر سوریه در برابر آن می‌شود. بنابراین ابهام استراتژیک ناشی از قدرت‌یابی دوباره مقاومت، فضای عدم اطمینان را به آن باز گردانده است.

دولت‌های عرب حوزه خلیج‌فارس که با کنار رفتن بشار اسد، انتظار داشتند سوریه به بخشی از حوزه نفوذ آنان تبدیل شود، وضع کنونی این کشور، آنان را سرخورده و نگران کرده است. دخالت امارات در درگیری‌های یک ماه پیش منطقه ساحلی سوریه، از نگرانی حوزه عربی از روند تحولات این کشور حکایت می‌کند. خبرهایی بیانگر آن است که آنان دست به دامن دولت جنایتکار اسرائیل شده‌اند تا بتوانند منطقه ساحلی و جنوبی سوریه که از کنترل جولانی خارج است را به کنترل درآورند. فعلاً این پروژه جواب نداده و حوزه عربی کماکان در حاشیه تحولات سوریه قرار دارد و ضمناً اقدام پشت صحنه و پول‌پاشی آنان منجر به تیره شدن روابط آنان با ترکیه و دولت نیم‌بند دمشق می‌شود.

آنچه در سوریه می‌گذرد برابر چشمان ملت سوریه است. این ملت امروز سرزمین خود را از دست داده نه اینکه حاکمیت از گروهی سوری به گروه دیگر سوری منتقل شده باشد. این مردم پس از یک سال هنوز در معرض اقدامات تروریستی هستند. نه فقط علوی‌ها، کردها، دروزی‌ها، شیعیان و مسیحیان در معرض قتل و غارت قرار دارند حتی سنی‌های حمص و حما هم در فضای ناامنی شدید به‌سر می‌برند. وضع کسب‌وکار و معیشت مردم بهبود پیدا نکرده و افقی هم برای آن دیده نمی‌شود. دولت‌های عربی و ترکیه کمک اقتصادی مؤثری حتی به دولت جولانی نکرده‌اند. عرب‌های جنوب خلیج‌فارس که شکل‌گیری یک دولت شبه اخوانی در دمشق و یا دولتی تحت‌الحمایه ترکیه را برنمی‌تابند علی‌رغم وعده‌هایی که در ابتدای کار دادند، کمک مالی چندانی به دمشق نکرده‌اند و دریوزگی جولانی از آنان به جایی نرسیده است. تکلیف آمریکای ترامپ هم در این موضوع معلوم می‌باشد؛ ترامپ فقط گرفتن بلد است.

همه این مطالب می‌گوید روند تحولات، مردم سوریه را به فکر خواهد انداخت. سوری‌ها امروز خوب می‌فهمند استقلال و خود اتکا بودن چه ارزشی دارد. مردم سوریه خود را صاحب سابقه و تمدنی طولانی‌تر از طرف‌هایی که بخش‌هایی از سوریه را تحت کنترل گرفته‌اند، می‌دانند و در برابر آنان سر خم نمی‌کنند. مردم سوریه غمخوارانی که بی‌چشمداشت و بدون تصرف پایگاه و روستایی در روزهای سخت کنارشان بودند را از اشغالگران و جنگ‌افروزان تمییز می‌دهند. مردم سوریه بدون بازگشت به عقب می‌توانند دولتی مقتدر و پیشرو مقاومتی داشته باشند. اشغالگران پس از یک سال تحمیل گرداب به سوریه، ناخواسته ولی در عمل، به جمعبندی مردم سوریه در ضرورت داشتن استقلال و دولتی بومی از جنس مقاومت مدد می‌رسانند.

سعدالله زارعی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

مردم درگیر مشکلات اقتصادی مدیران دولتی سرگرم حاشیه‌سازی

سرویس سیاسی-

تورم افسارگسیخته و جهش بی‌سابقه قیمت ارز و اقلام اساسی، سفره مردم را کوچک‌تر کرده؛ اما برخی دولتمردان به جای چاره‌جویی برای معیشت مردم، سرگرم رفع فیلترینگ، ماراتن کیش و مجوز موسیقی زیرزمینی‌اند. این شکاف میان درد واقعی جامعه و دغدغه‌های حاشیه‌ای دولت، تصویر روشن از ناکارآمدی و بی‌برنامگی کابینه چهاردهم است.

این روزها سفره مردم هر روز کوچک‌تر می‌شود؛ تورم افسارگسیخته، رکوردشکنی دلار و طلا، افزایش قیمت اقلام اساسی و دارو و ضعف زیرساخت‌ها آن هم به اعتراف مسئولین دولت چهاردهم، همه و همه تصویری روشن از وضعیت معیشتی جامعه ارائه می‌دهد. در چنین شرایطی انتظار می‌رود مدیران دولتی با تمرکز بر حل مشکلات اصلی مردم، به میدان بیایند و بار سنگین معیشت را سبک کنند.

اما آنچه در عمل دیده می‌شود، غرق شدن برخی اعضای دولت در مسائل حاشیه‌ای است؛ رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت راه گشایش را در رفع فیلترینگ می‌بینند و از ماراتن جنجالی و بی‌ضابطه کیش دفاع می‌کند، گویی مشکلات مردم با شعار «وفاق» و نمایش‌های رسانه‌ای حل خواهد شد. مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور نیز در اوج بحران اقتصادی، از خوشحالی پس از صدور مجوز اولین آلبوم رپ سخن می‌گوید و آن را دستاوردی بزرگ معرفی می‌کند؛ این حواشی و مسائل دست چندمی فاصله زیادی با درد دل مردم و حل مشکلات آنها دارد.

این تضاد میان واقعیت زندگی مردم و دغدغه‌های دولتمردان، پرسشی جدی را پیش روی افکار عمومی قرار داده است: آیا دولت چهاردهم اولویت که نه فلسفه وجودی خویش را فراموش کرده است؟

استعفای رئیس مرکز ارتباطات مردمی ریاست‌جمهوری

محمدرضا جوادی یگانه، رئیس مرکز ارتباطات مردمی ریاست‌جمهوری، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «چهارشنبه از ریاست مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری استعفا دادم. دسته‌بندی مشکلات مردم، پیگیری مطالبات آنها از دستگاه‌های اجرائی، و تلاش برای حل بخشی از آن؛ فرصت ارزشمندی بود که ادامه آن به دلایل متعدد ممکن نشد.»

وی در ادامه متنی منتشر کرد که شامل نمونه‌ای از پیام‌های مردمی است که روزانه ارسال می‌شود.

این پیام علاوه‌بر صداقت و مسئولیت شناسی آقای جوادی یگانه، نشان می‌دهد که در میان انبوه مطالبات مردمی، هیچ نشانی از مسائل فرعی و دست چندم که برخی اعضای دولت آن را علم کرده‌اند وجود ندارد. مردم از «اعتراض به افزایش قیمت برخی داروها»، «کمبود معلم در مناطق روستایی»، «اعتراض به ضعف زیرساخت‌های روستایی و شهری»، «افزایش قیمت اقلام اساسی»، «اجرای قوانین حجاب اسلامی در فضاهای عمومی»، و «افزایش قیمت نهاده‌های دامی و طیور» سخن می‌گویند. در حقیقت اینها مشکلات واقعی جامعه‌اند، نه دغدغه‌های رسانه‌ای و حاشیه‌ای!

دستاوردسازی رسانه‌ای در اوج مشکلات اقتصادی

از طرفی در شرایطی که تورم، مردم را با مشکل مواجه کرده و رکوردشکنی دلار و طلا هر روز خبرساز است، مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور، از دستاوردی سخن می‌گوید که هیچ صنمی با معیشت مردم ندارد. وی در همین زمینه نوشته است: «بعد از صدور اولین آلبوم شروین حالا اولین برنامه رپ فارسی با مجوز رسمی منتشر شد. چه سختی‌ها کشیده شد تا امروز به این‌جا برسیم!»

این دستاوردسازی رسانه‌ای در شرایطی مطرح می‌شود که مردم برای تأمین دارو، نان و کالاهای اساسی با مشکلات جدی مواجه‌اند. پرسش اینجاست که آیا اولویت دولت باید صدور مجوز برای رپ باشد یا پاسخ به مطالبات معیشتی مردم؟!

وعده رفع فیلترینگ دغدغه‌ای متفاوت از سفره مردم

الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، نیز اخیرا در حاشیه جلسه هیئت دولت خبر داد: «دولت در تلاش است تا ظرف یک ماه آینده فیلتر یک پلتفرم دیگر را بردارد.»

او همچنین پرسشی کلیدی را مطرح کرد: «یک نفر توضیح دهد که فلسفه فیلترینگ چیست؟ آیا باعث شده مردم کمتر استفاده کنند؟»

این سخنان نشان می‌دهد که بخش اعظمی از انرژی دولت صرف مباحثی چون رفع فیلترینگ شده است؛ موضوعی که هرچند برای بخش کوچکی از جامعه اهمیت دارد، اما در اولویت مشکلات مردم قرار ندارد. وقتی مردم از گرانی دارو، اقلام اساسی و تورم لجام‌گسیخته گلایه دارند، تمرکز بر رفع فیلترینگ بیش از آنکه راه‌حل باشد، نشانه‌ای از فاصله دولت با واقعیت‌های جامعه است.

ماراتن کیش؛ حمایت از حاشیه‌ها به جای حل مشکلات

همچنین الیاس حضرتی در نشست «همدلی برای آینده روشن کیش» گفت: «به حاشیه‌ها توجه نکنید و مصمم‌تر از گذشته به پیش بروید.»

او در ادامه افزود: «امروز از طرف دولت به کیش آمدم تا حمایت از مدیر توانمند دولت در سازمان منطقه آزاد را اعلام کنم.»

این سخنان در واکنش به حاشیه‌های ایجاد شده در برگزاری ماراتن کیش مطرح شد. اما واقعیت آن است که ماراتن کیش بیش از آنکه یک رویداد ورزشی باشد، نمادی از ولنگاری فرهنگی و شکست مدیریتی است. این هنجارشکنی نه در خفا، بلکه در برابر چشم مسئولان رخ داد و سکوت برگزارکنندگان، عملاً به معنای گشودن فضا برای ابتذال بود.

روایت دولت از «وفاق» و «امید» در کیش!

حضرتی در همان نشست تأکید کرد: «دولت معتقد است که اگر می‌خواهیم کشور آباد شود و در ایران رونق ایجاد شود، ما راهی جز افزایش سرمایه‌گذاری و ارتقای بهره‌وری نداریم و برای همین منظور، دولت تاکید دارد که با دوری از حاشیه‌سازی‌ها و با وحدت و همدلی کار کند و ما تجلی این وضعیت را امروز در کیش می‌بینیم.»

او همچنین گفت: «امشب یک سال پس از انتصاب مدیری جوان و کاربلد، با دقت مطالب، گزارش، مطالبات و نقطه نظرات سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی کیش را گوش دادم و دیدم آنهائی که یک سال پیش دچار یأس و ناامیدی بودند، امروز سرشار از امید هستند و چشم به آینده روشن دارند.»

این روایت از امید و وفاق در کیش، هرچند برای منطقه آزاد اهمیت دارد، اما نمی‌تواند پاسخگوی مشکلاتی باشد که مردم در سراسر کشور با آن مواجه‌اند. امید در کیش، سفره مردم در سیستان، مشهد، اهواز و روستاهای محروم را پر نمی‌کند.

مخلص کلام آنکه امروز جامعه با واقعیتی تلخ روبه‌روست؛ نارضایتی عمومی از گرانی و افزایش پی‌درپی قیمت‌ها، رشد نقدینگی بالای ۴۰ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه نزدیک به ۵۰ درصد، همه نشان می‌دهد که جفت پای دولت در مدیریت اقتصاد می‌لنگد. سیگنال حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و برخی بی‌تدبیری‌های دیگر، دلار را تا مرز ۱۳۰ هزار تومان پیش برده و از قضا فشار اصلی این جهش‌ها بر دوش دهک‌های پایین درآمدی سنگینی می‌کند؛ ستون فقرات سفره کارگری با رشد بیش از ۱۰۰ درصدی قیمت نان، غلات، میوه، خشکبار و لبنیات عملاً در هم شکسته است.

با این همه، دولت به جای تمرکز بر درمان دردهای واقعی مردم، سرگرم پرسه در حاشیه‌هاست؛ کسب مجوز موسیقی زیرزمینی و دفاع از بی‌بندوباری در کیش را افتخار می‌داند و وعده رفع فیلترینگ را دستاورد معرفی می‌کند. به عبارتی، در حالی که حتی صدای حامیان دولت نیز از تورم بالای ۱۰۰ درصدی برخی اقلام خوراکی بلند شده، معاون اجرائی رئیس‌جمهور به دولت شهید رئیسی کنایه می‌زند و مدعی می‌شود اگر مسیر آن دولت ادامه داشت تورم به ۷۰ درصد می‌رسید؛ ادعایی که خلاف آمار رسمی مرکز آمار است. داده‌ها نشان می‌دهد در ۱۲ ماه پایانی دولت سیزدهم، تورم در مسیر نزولی قرار داشت و حتی تورم مواد غذایی از ۳۸ درصد به ۲۴ درصد کاهش یافته بود. اگر آن روند ادامه می‌یافت، امروز شاخص تورم در آستانه کانال ۲۰ درصد بود.

این همه، گواه آن است که بخش قابل توجهی از دولت چهاردهم نه تنها در حل بحران معیشتی دچار قصور و تقصیرهای زیادی است، بلکه با غرق شدن در مسائل فرعی و حاشیه‌ای، فاصله‌ای عمیق با واقعیت زندگی مردم پیدا کرده و بر زخم آنها نمک می‌پاشد. آقایان! مردم نان می‌خواهند، نه نمایش رسانه‌ای؛ ثبات اقتصادی می‌خواهند، نه افتخار به مجوز موسیقی زیرزمینی. تا زمانی که دولت از این مسیر انحرافی بازنگردد و اولویت را به معیشت و اقتصاد ندهد، امیدی به عبور از بحران نیست.

اگر دولت چهاردهم می‌خواهد اعتماد مردم را جلب کند، باید از حاشیه‌ها فاصله بگیرد و به متن زندگی مردم بازگردد. اولویت اصلی باید حل مشکلات اقتصادی و معیشتی باشد، نه دستاوردسازی رسانه‌ای و پرداختن به موضوعاتی که هیچ ارتباطی با سفره مردم ندارند. تنها در این صورت است که می‌توان امید واقعی را به جامعه بازگرداند و از مشکلات معیشتی عبور کرد.

خبر ویژه

اعتراف به دروغگویی و درماندگی نتانیاهو مقابل اقتدار ایران

گزارش رسانه‌های عبری و غربی، از دروغگویی و در عین حال درماندگی نتانیاهو در مقابل اقتدار نظامی ایران حکایت می‌کند.

به تازگی روزنامه تایمز اسرائیل و رسانه آمریکایی المانیتور، در تحلیل‌ها و گزارش‌هایی نوشتند: بعد از جنگ ۱۲روزه، برداشت این بود که ضربات قابل توجهی به برنامه موشکی ایران وارد شده است. اما منابع اسرائیلی می‌گویند این برداشت دقیق نبوده و ایران اکنون حدود دو هزار موشک بالستیک سنگین در اختیار دارد؛ همان رقم قبل از جنگ. این اطلاعات در دیدار رئیس اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل، با سفیر آمریکا در سازمان ملل در میان گذاشته شده است. اسرائیل تلاش دارد آمریکا را ترغیب کند تا حمله دیگری صورت بگیرد.

این گزارش‌ها و تحلیل‌ها تحلیل، نکات قابل تاملی را در خود نهفته دارد. اولا اسرائیل (و آمریکا) برخلاف اینکه وانمود کردند اشراف کاملی بر برنامه نظامی ایران دارند، ارزیابی درستی نداشته‌اند. این برآورد اشتباه، موجب خطای محاسباتی بزرگ شد و هزینه‌های گزافی را به اسرائیل تحمیل کرد. تصویر بازدارندگی نظامی و اطلاعاتی رژیم، طی هفت دهه گذشته، هرگز مانند جنگ اخیر، درهم نشکسته بود. ضربات کمرشکنی که موشک‌های ایران به تاسیسات امنیتی، نظامی، اقتصادی، انرژی، و فناوری اسرائیل، و اتباع عاریتی آن وارد کرد، فراتر از حد محاسبات عادی است.

دوم اینکه ثابت می‌شود دستاورد سازی نتانیاهو و ادعای نابودی توان موشکی و عقبه پشتیبان- تامین‌کننده آن، دروغی بزرگ برای بقا بوده است؛ بنابراین، افکار عمومی رژیم صهیونیستی و مخالفان نتانیاهو خواهند پرسید که چرا با ریسک آغاز جنگ، دست ایران را برای عبور از خط قرمز امنیتی ۷۷ساله اسرائیل و زدن ضربات عمیق راهبردی گشودید؟!

نکته سوم؛ با ادعای اخیر، توانمندی موساد و اطلاعات نظامی ارتش، و عقلانیت و قابل اعتماد بودن شخص نتانیاهو، زیر سؤال است و بنابراین، یک این سؤال جدی و هولناک می‌تواند گریبان صهیونیست‌ها را بگیرد: از کجا معلوم که اصل ادعا و سقف‌گذاری دو هزار فروندی درباره موشک‌های بالستیک ایران درست بوده و ایران مقادیر چند برابری از این موشک‌ها و حتی موشک‌های پیشرفته‌تر را در اختیار نداشته باشد؟!

برخی انواع این موشک‌ها، در روزهای آخر جنگ توسط ایران رونمایی شد و به تعبیر نشریات صهیونیستی و غربیی، «دروازه‌های جهنم را بر روی تل‌آویو گشود» و «صحنه‌های آخرالزمانی در اسرائیل آفرید».

نکته چهارم؛ شلیک و دقت موشک‌های ایران در روند دوازده روزه، نه تنها متوقف نشد، بلکه ویرانگری و مرگباری شدیدتری هم پیدا کرد. کار به جایی رسید که نتانیاهو مجبور شد دست به دامن واسطه‌ها شود و ترامپ بگوید: «اسرائیل واقعاً ضربه خیلی سختی خورد؛ خصوصاً در روزهای آخر. وای پسر! اون موشک‌های بالستیک، خیلی از ساختمان‌ها رو نابود کردند».

اگر این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد -که جای انکار ندارد- بنابراین نتانیاهو باید پاسخ دهد که در کنار تحمیل هزینه‌های گزاف اقتصادی و امنیتی به صهیونیست‌ها، دقیقا چه غلطی علیه توان موشکی ایران کرده است؟!

نکته پنجم؛ اگر توان موشکی ایران از کار نیفتاد و قدرتمندانه به اسرائیل ضربه زد، چرا نتانیاهو مجبور به توقف جنگ بدون دستیابی به هدف اعلامی شد؟! و اگر ناتوان از هماوردی بوده و ناچار از توقف جنگ شده، چگونه می‌تواند دوباره درگیر شود، در حالی که می‌داند ایران، علاوه بر توانمندی توسعه یافته، مهارت‌های و اطلاعات بسیار ذی قیمتی را در میانه میدان کسب کرده است؟!

ششم؛ برنامه نظامی ایران، فراتر از تخمین‌ها و گمانه‌های دائما باطل‌شونده دشمنانش، کوه یخی را می‌ماند که تنها نوک آن پدیدار شده است. فقط به عنوان یک نمونه، ایران تحریم شده در حوزه پهپاد نظامی به قله‌ای رسیده که آمریکا و روسیه هر دو ناچارند از روی نسخه‌های اولیه او، کپی‌برداری کنند.

اگر موساد و ارتش اسرائیل با وجود لجستیک غربی نتوانستند از عهده ایران بر آیند اما ایران به تنهائی توانست هم موشک هایپرسونیک بسازد؛ و هم با اطلاعات دقیق، بر سر پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی، پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها، و مراکزی مانند مؤسسه علمی- فناوری وایزمن بکوبد.

یادآور می‌شود روزنامه یدیعوت آحارانوت دیروز به نقل از ارتش اسرائیل نوشت: سرعت تولید موشک‌های بالستیک در ایران افزایش داشته است و ایران در جنگ بعدی می‌تواند ۵۰۰ تا هزار موشک را به طور همزمان به اسرائیل شلیک کند.

روایت شرق از تعارفات بی‌پشتوانه پزشکیان

روزنامه حامی دولت با تعارف خواندن سخنان گاه و بی‌گاه آقای پزشکیان نوشت: رئیس‌جمهور بارها در این ۱۶ ماه گفته که هرکس بتواند به دولت کمک کند، از او استقبال می‌کنیم اما کاش گزارشی تنظیم می‌کردند که دولت در این زمینه چه کسانی را برای پیشبرد امور و گذر از موانع به‌کار گرفته است؟

شرق در یادداشتی با عنوان حرف‌های تکراری و تعارفات شاه‌عبدالعظیمی نوشت: ضرب‌المثل‌ها، در یک جمله، بیشترین معانی را به شنونده منتقل می‌کنند. یکی از این ضرب‌المثل‌ها، «تعارف شاه‌عبدالعظیمی» است. در بسیاری از مواقع، عرض ارادت و تعارف، خالی از واقعیت است و گوینده و شنونده، خالی‌بودن آن را می‌دانند. ولی به هر جهت، از ابراز آن دریغ نداریم و البته امکان دارد که شنونده، تعارف ما را جدی بگیرد که آن وقت مشکل آغاز می‌شود که باید هر طور شده، وفای به عهد کنیم. اما آن تعارف شاه‌عبدالعظیمی وقتی است که ما طوری تعارف می‌کنیم که شنونده هیچ‌گونه نتواند تعارف ما را نقد کند و ما هم بلد باشیم از زیر انجام آن تعارف و تعهدی که فقط در حرف ادعایش را داشته‌ایم، شانه خالی کنیم. خود من دوستی داشتم که بارها من را برای صرف ناهار و شام یا عصرانه و چای به خانه‌اش دعوت می‌کرد اما نه‌تنها من نشانی خانه او را نداشتم، بلکه او هم هیچ‌طوری نشانی به کسی نمی‌داد.

حالا حکایت جناب رئیس‌جمهور است که بارها در این ۱۶ ماه گفته در حوزه‌های مختلف مشکل داریم و هرکس که بتواند به دولت کمک کند، از او استقبال می‌کنیم و در این مدت نیز بسیاری افراد اعلام آمادگی کرده‌اند که به دولت کمک کنند؛ بنابراین خیلی خوب می‌شد که گزارشی تنظیم می‌کردند که در کدام حوزه‌ها، چه افرادی برای کمک به دولت اعلام آمادگی کرده‌اند و دولت کدام‌یک از آنان را برای پیشبرد امور و گذر از موانع به کار گرفته است؟

نویسنده شرق می‌افزاید: من در این چندین ماه و حتی از آغاز به‌کار دولت، انتقادات بسیاری دیده‌ام که بر سازوکار مدیریت ایشان و کابینه از سوی متخصصان و کارشناسان هر بخش ارائه شده و همچنین شاهد بوده‌ام که بسیاری هم اعلام کرده‌اند حاضرند در این موضوعات، توان و تخصص خود را در اختیار بگذارند؛ اما در عمل، تقریبا هیچ‌کس را ندیده‌ام که به آن فراخوان چندین و چندباره جناب پزشکیان جواب مثبت داده باشد و ایشان از این پاسخ مثبت استقبال کرده و آنان را به‌کار گرفته باشد. آیا واقعا در بین این همه افرادی که بارها و بارها برای کمک به دولت اعلام آمادگی کرده‌اند، حتی یک مورد هم نبوده که کسی واقعا توان کمک به دولت را داشته باشد؟ یا اینکه بوده‌اند افرادی که اعلام آمادگی کرده‌اند و به کمک هم آمده‌اند و جامعه از به‌کارگیری آنان بی‌خبر است؟ یک احتمال هم آن است که جناب پزشکیان تیمی تخصصی را مسئول بررسی این پاسخ‌های مثبت کرده و آن تیم پس از بررسی به این نتیجه رسیده که آن افراد ادعای بی‌جا داشته‌اند و کمکی از دست‌شان برنمی‌آمده. اگر چنین است، بسیار خوب بود که این تیم برای روشن‌شدن افکار عمومی از سازوکار گروه بررسی (اگر وجود دارد) گزارشی تهیه کرده و به جامعه ارائه می‌دادند.

یک احتمال جدی‌تر هم وجود دارد که جناب رئیس‌جمهور با وجود آنکه بارها و بارها خواسته که اگر کسی هست که می‌تواند به دولت کمک کند، پا پیش بگذارد، سازوکاری برای بررسی جواب‌های مثبت فراهم نکرده‌اند. اما آیا می‌توان به خود قبولاند که یک رئیس‌جمهور وقتی سخنی می‌گوید، فقط تعارف کرده و در واقعیت نتوان برای آن نمونه‌ای یافت؟ بالاخره باورش سخت است که همین‌طوری و تحت تأثیر جمعی که در آن قرار می‌گیرد، یک چیزی گفته باشد. اگر واقعا این درخواست کمک جدی است، ما چه باید بکنیم و اگر جدی نیست، پس این‌همه تکرار برای چیست؟... چرا هواداران جناب پزشکیان هیچ‌وقت به ایشان تذکر نمی‌دهند که از تعارف کم کند و بر مبلغ بیفزاید؟ نگویند که به صورت خصوصی به ایشان تذکر می‌دهند که اگر تذکر خصوصی اطرافیان مؤثر بود، این‌همه سخن تکراری و تعارف از ایشان نمی‌شنیدیم.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

مهندسی معکوس!

گفت: یکی از اعضای دفتر آقای رئیس جمهور با خوشحالی توئیت زده و نوشته است؛ «با صدور مجوز اولین آلبوم شروین حاجی‌پور، حالا اولین برنامه رپ فارسی با مجوز رسمی در یکی از پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی منتشر شد»!

گفتم: چه دستاورد بزرگی؟! چقدر زحمت می‌کشند و چه سختی‌هایی تحمل می‌کنند!

گفت: اتفاقاً خود ایشان هم نوشته است؛ «چه سختی‌ها کشیده شد تا امروز به این‌جا برسیم»!

گفتم: کمر مردم زیر بار گرانی‌های افسارگسیخته و تورم و... خم شده است و آقای عضو دفتر رئیس‌جمهور از نمایش «برنامه رپ فارسی»! به عنوان دستاورد دولت یاد می‌کند(!) و می‌نویسد برای آن «چه سختی‌ها کشیده شده است»!

گفت: خُب، از کدام دستاورد بنویسد؟! حل مشکل گرانی! افزایش لحظه به لحظه قیمت کالا و خدمات! ناترازی‌ها! ۱۱۶ میلیارد دلار ارز صادراتی که باز نگشته است؟! ماراتن فاجعه‌آمیز کیش؟! و...

گفتم: از شخصی که برای استخدام مراجعه کرده بود، پرسیدند چه تخصصی داری؟ گفت؛ تخصص بنده در مهندسی معکوس است. پرسیدند؛ مثلاً می‌توانی با مهندسی معکوس یک هواپیمای بی‌سرنشین بسازی؟ گفت؛ این که خیلی سخته! ولی می‌توانم با مهندسی معکوس، هرچند تا که دلتون بخواد، سرنشین بدون هواپیما بسازم!

نکته

ملک‌الموت رفت پیش خدا

۱- دیروز آقای جوادی‌یگانه، رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری نامه استعفای خود را که خطاب به سرپرست نهاد ریاست جمهوری نوشته بود، منتشر کرد. ایشان گزارش روزانه مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری را هم ضمیمه استعفای خویش کرده است، گزارشی که حاوی دغدغه‌های اعلام شده مردم در تماس با مرکز یاد شده است. فهرست تماس‌های مردم با مرکز ارتباطات مردمی رئیس‌جمهور به وضوح نشان می‌دهد که میان دغدغه‌های مردم و آنچه برخی از دولتمردان به‌عنوان دغدغه و خواست مردم یاد می‌کنند و به آن مشغولند، فاصله فراوانی وجود دارد. فاصله‌ای که گاه در حد و اندازه تناقض است. تیتر یک و گزارش کیهان امروز با عنوان «مردم درگیر مشکلات اقتصادی، مدیران دولتی سرگرم حاشیه‌سازی» به همین موضوع اختصاص دارد. نوشته پیش‌روی اشاره به نکته‌ای در همان سمت و سوی است.

۲- در فهرست دغدغه‌های مردمی که آقای جوادی‌یگانه با مسئولیت‌شناسی و از سر صدق منتشر کرده‌اند، اعتراضاتی نظیر، افزایش قیمت برق، گرانی‌های افسارگسیخته، مطالبات بازنشستگان، اعتراض به گسترش بی‌حجابی، بی‌توجهی به مشکلات اقتصادی و معیشتی، انتقاد به دهک‌بندی برای دریافت یارانه، سقوط ارزش پول ملی، بی‌توجهی به شرایط بازنشستگان و ده‌ها نمونه دیگر از این دست دیده می‌شود.

۳- مقایسه دغدغه‌ها و خواسته‌های مردم با آنچه برخی از مدیران و کارگزاران دولت در پوشش خواسته‌های مردم و مشکلات موجود بر زبان و قلم دارند، نشان می‌دهد که [دست‌کم] بخشی از مدیران و کارگزارانی که رئیس‌جمهور محترم برای گره‌گشایی از مشکلات مردم به کار گرفته‌اند، نه فقط با دغدغه‌های مردم بیگانه‌اند، بلکه انگار برای مقابله با مشکلات آنها کمر همت بسته‌اند! و شواهد موجود حکایت از آن دارد که همین خواسته‌های بی‌ارتباط با مردم را به عنوان خواسته‌ها و دغدغه‌های مردم به رئیس‌جمهور محترم گزارش کرده‌اند!

**۴- اکنون از جناب پزشکیان که در سلامت و دغدغه‌ای که برای خدمت به مردم دارند تردیدی نیست، این پرسش در میان است که آیا مدیران یادشده برای حضور در پست‌هایی که اشغال کرده‌اند، شایستگی دارند؟! به نظر نمی‌رسد که پاسخ این سؤال مثبت باشد(!). جناب پزشکیان، برادر ع